



## مطالعه عوامل موثر بر مدیریت بدن در ایران؛ فراتحلیلی از تحقیقات موجود

### پونه اروانه<sup>۱</sup>، رقیه خدایی بیرامی<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

### چکیده

مسئله مدیریت بدن در علوم رفتاری و اجتماعی چند سالی است که مورد مطالعه جدی محققان قرار گرفته و این حوزه یک حوزه نوپا و جدید در عرصه علوم انسانی ایران است. بنابراین، با توجه به تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، ضرورت نقد و فراتحلیل مطالعات انجام شده در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با هدف فراتحلیل مطالعات صورت گرفته در یک دهه اخیر در زمینه مدیریت بدن انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که روش توصیفی-تحلیلی به عنوان معمول‌ترین روش مطالعه در پژوهش‌های مرور شده است. متغیرهای سن، سرمایه فرهنگی، مذهبی بودن و مصرف رسانه‌های خارجی بر حسب متغیرهای حاضر در فرضیه تحقیقات مرور شده، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بیشترین میزان رویکرد نظری استفاده شده در تحقیقات مرور شده، به نظریه‌های بورديو و گیدنز درباره بدن مربوط می‌شود. علاوه بر این نتایج اندازه اثر ترکیبی نشان می‌دهد که متغیرهای مذهبی بودن و مصرف رسانه‌های خارجی بیشترین تاثیر را بر مدیریت بدن در مطالعات مرور شده دارند. جهت رابطه مذهبی بودن با مدیریت بدن معکوس و رابطه مصرف رسانه‌های خارجی و مدیریت بدن مستقیم می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** بدن، تصویر بدن، مدیریت بدن



## مقدمه

جذابیت جسمانی از جمله موضوعاتی است که در دوران مدرن استانداردهای جدیدی پیدا کرده و از عوامل شکل دهنده روابط افراد محسوب می‌شود، به طوری که مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیشتری پیدا کرده است و رفتارهای گوناگون بهداشتی نظیر بدن‌سازی، رژیم‌های غذایی، تجهیزات ورزشی و آرایشی مختلف در دوره جدید با تحولات جهانی شدن به مسئله بدن توجه بسیاری شده است که عواملی از جمله: پیشرفت برای مراقبت از بدن پدیدار شده است. به نظر می‌رسد در دوره جدید با تحولات جهانی شدن، بیش از حد به مسئله بدن توجه شده است که می‌توان به پاره‌ای از عوامل اشاره نمود: «سیاسی کردن بدن توسط فمینیست‌ها، عوامل جمعیت‌شناختی، رشد فرهنگ مصرفی، پیدایش فناوری‌های جدید و حرکت به سوی مدرنیته» (اباذری و حمیدی، ۱۳۸۷).

با آمدن مدرنیته، نگرانی‌ای در انسان مدرن در خصوص رابطه اجتماعی‌اش با دیگران و قضاوت آنها درباره خودش به وجود آمد که بدن یکی از مهمترین عرصه‌های این نگرانی‌هاست. در واقع، در عصر حاضر، زندگی روزمره به موضوع انتخاب شخصی تبدیل شده است بدین معنا که مردم می‌توانند کاری را انجام دهند که می‌خواهند و می‌توانند چیزی بشنوند که خودشان می‌خواهند بشنوند، رویه‌ای که حاکی از فردی شدن است. امروزه، مردم به طور فزاینده‌ای بر مبنای علایق و منافع فردی دست به کنش می‌زنند و بدن نیز در این جریان فردی شدن، اختصاصی‌تر می‌شود و هر کس سعی در مدیریت بدن خویش دارد. به بیان گیدنز، مدیریت بدن به مثابه عرصه‌ای که گزینش‌گری انسان مدرن را به نمایش می‌گذارد هم موجب تمایزبخشی و هم راهی برای وانمودسازی تعلق گروهی، پایگاهی و شغلی است.

ظرفیت بدن و رفتارهای بدنی برای حمل این داده‌های اجتماعی سبب شده است تا محققان اجتماعی در چند دهه اخیر به الگوهای مدیریت بدن علاقه‌مند شوند و برنامه پژوهشی مشخصی پیرامون این موضوع شکل بگیرد. مطالعات داخلی صورت گرفته در این حوزه نیز به خوبی موید توجه محققان به رفتارهای بدنی بوده است. به همین خاطر صاحب‌نظران سعی داشته‌اند که با دید علمی به بدن در ایران بنگرند. بنابراین، هدف اصلی نوشتار حاضر، فراتحلیل، نقد و ارزیابی مقالات نوشته شده در حوزه مدیریت بدن است، با این امید که با رسیدن به این هدف بتواند گامی هر چند کوچک در جهت انجام تحقیقات بهتر و موثرتر در حوزه روان‌شناسی بدن بردارد.

در واقع در پژوهش حاضر با استعانت از اصول و قواعد روش فراتحلیل به کاربرد این روش در خصوص تحقیقات صورت گرفته در حوزه مدیریت بدن پرداخته شده است و سعی بر آن است به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- ۱) چه روش‌هایی در تحقیقات انجام شده در باب مدیریت بدن بیشتر به کار گرفته شده‌اند؟
- ۲) در تحقیقات انجام شده در حوزه مدیریت بدن چه متغیرهایی بیشتر مورد نظر محققان قرار داشته‌اند؟
- ۳) در تحقیقات صورت گرفته در حوزه مدیریت بدن، بیشتر روی چه جامعه و نمونه آماری تمرکز شده است؟
- ۴) در پژوهش‌های انجام شده در مورد مدیریت بدن، از چه رویکردهای نظری بیشتر استفاده شده است؟



## رویکردهای نظری

در تحلیل گرایش‌ها و رفتارهای افراد نسبت به بدن خود طیفی از دیدگاه‌ها و رویکردهای نظری قابل طرح است. در این بخش بر اساس تقسیم‌بندی‌های نظری و رشته‌ای، مروری اجمالی بر این دیدگاه‌ها و نقطه عزیمت هر یک خواهیم داشت.

## رویکردهای روان‌شناختی و روانکاوی

تحلیل‌های روان‌شناختی بدن از توصیف ویژگی‌های فیزیولوژیک آن فراتر می‌روند و افزون بر ویژگی‌های فیزیکی همچون وزن بدن به معیارهای غیرعلنی همچون گرایش‌ها و رفتارها نیز توجه دارند و مثلاً اهمیت وسواس شدید نسبت به ظاهر را مورد توجه قرار می‌دهند. تعاریف روان‌کاوانه از رفتارهایی همچون اختلالات تغذیه‌ای، بی‌اشتهایی و بیگانگی از بدن، عموماً مفروضات فردگرایانه را مبنا قرار می‌دهند. بر این مبنا بی‌اشتهایی در سطح فردی قابل توضیح و درمان است (مک‌اسوینی، ۱۹۹۳).

تبیین‌های روان‌شناختی و یا روانکاوی به واسطه نادیده گرفتن متن اجتماعی و فرهنگی اختلالات و مشکلات مرتبط به بدن و توجه ناکافی به جزئیاتی مانند آسیب‌شناسی فردی و یا خانوادگی و همچنین تبیین ناکافی از معانی اجتماعی گرایش جنسی بزرگسالان به تفکیک جنسیت، مورد انتقاداتی قرار گرفته است. برای نمونه انتظار این است که در فرهنگ‌های مصرفی سرمایه‌داری که همزمان گرایش‌های محرک نسبت به زنان را ترویج می‌کند، آن‌ها را تنزل می‌بخشد و هم زن و هم بدن زن را کم ارزش می‌شمارد، فهم و تفسیر عمیقی از آن چه بدن زن به آن اشاره دارد، ارائه شود. این رویکرد در این زمینه با ضعف‌هایی همراه است. در نگاه روان‌کاوانه مفهوم‌سازی از ویژگی‌های مردانه جزئی از تلاش زنان برای تکامل به مثابه یک هویت جدید اجتماعی است که دختران جوان برای دستیابی به آن می‌بایست واجد ویژگی‌هایی شوند که فرهنگ جامعه مدت‌های طولانی آن‌ها را نسبت به آن منع کرده و آن را منحصراً در اختیار مردان گذاشته است (ذکائی، ۱۳۸۶).

با این حال، واقعیت این تحلیل دقیق و معتبری از «طرد وضعیت زن بزرگسال» است که تلقی تنفر از بدن به منزله آن به دست نمی‌دهد. علاقه به لاغری، جستجو برای ظاهر و اندام کامل بیش از آن که با طرد هویت زنانه مرتبط باشد، با پذیرش آن مربوط است. به بیان دیگر تلاش برای نشان دادن تمایز و نزدیک شدن به استانداردهایی که محیط هنجاری و مردانه جامعه از زنان انتظار دارد، می‌تواند محرکی قوی در ترغیب زنان به توجه شدید به ویژگی‌های بدنی خویش باشد. به خاطر چنین ایدئولوژی‌ای است که برخی زنان میان سال جامعه به ورزش‌های خاص و یا جراحی‌های زیبایی و دغدغه‌هایی مشابه با دختران جوان پیدا می‌کنند.

## فمینیسم و بدن

رویکردهای فمینیستی جامعه‌شناختی به رغم تنوع از وجه مشترک اساسی نیز برخوردارند. در این رویکردها زمینه، تصویر و ارزیابی دختران از اندام خود در متن مشکلات آن‌ها در جامعه، فرهنگ، نظام معنایی و یا موقعیت زبانی‌ای دیده می‌شود که زنان نمایش می‌دهند (ذکایی، ۱۳۸۶). تقسیم‌بندی‌های کلاسیک این رویکردها به محافظه‌کار،



سوسیالیست و رادیکال، تحلیل‌های متفاوتی را از رابطه زنان با بدن خود ارائه می‌کنند. برای مثال فمینیست‌های لیبرال به جامعه‌پذیری متفاوت دختران و پسران اشاره دارند و زنانگی را امری اجتماعی می‌دانند. به زعم آنان، فرد را توان‌رهایی از کلیشه‌های رایج زنانگی نیست و جامعه و فرهنگ حاکم بر یک جامعه، به یک دختر از همان آغاز سنین کودکی می‌آموزد که نسبت به ظاهر و زیبایی خود حساس بوده، خود را به معیارهای زیبایی نزدیک سازد و خود را با ظاهر به عنوان اساسی‌ترین ویژگی زنانگی‌اش تعریف نماید.

فمینیست‌های رادیکال که با استفاده از مفهوم پدرسالاری، ستم بر زنان را تبیین می‌نمایند، معتقدند که خشونت مردان همیشه به صورت آشکار تجلی نمی‌یابد و گاه به صورت پنهان‌تر و پیچیده‌تر استمار و اعمال نظارت بر زنان تحقق می‌یابد و یکی از این اشکال، معیارهای مد و زیبایی است (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۷).

فمینیست‌های مارکسیست و سوسیالیست، نظام سرمایه‌داری و فرهنگ مصرفی را عامل اصلی عدم رضایت زنان از ظاهر و بدن خود می‌دانند، چرا که معتقدند این نظام، زنان را هدف اصلی مصرف‌گرایی خود قرار داده است. به عبارتی، بهبود کیفیت زندگی و نیز منطق نظام سرمایه‌داری یعنی بازار مصرف انبوه و سود فراوان به موازات یکدیگر و البته با یاری رسانه‌ها، مصرف و میل به مصرف‌گرایی را افزایش داده و هر روز بیش از قبل زنان را به این سو سوق می‌دهد و لذا زنان در عصر مصرف‌گرایی و تبلیغات، هویت خود را در ارتباط با ظاهر خود تعریف می‌نمایند. آن‌چنان که می‌توان گفت ظاهر، بدن و هویت با مصرف‌گرایی قرن بیست و یکم پیوند خورده است (فراست، ۲۰۰۳). در واقع، در جامعه مصرفی سرمایه‌دارانه، تبلیغات و آگهی‌ها جایگاه رفیعی می‌یابد اما این آگهی‌ها بسیاری از زنان را به جای پذیرش وضع ظاهری و شکل خود دچار غم و نگرانی می‌کنند. پیام این نوع تبلیغات این است که زن ایده‌آل وجود دارد (گرت، ۱۳۸۰) و لذا زنان به منظور دستیابی به این ایده‌آل‌ها و معیارهای زیبایی با فشارها و اختلالات روحی و جسمی فراوانی روبه‌رو می‌گردند. از همین رو دستیابی زنان به معیارهای مطلوبیت و ایده‌آل بودن، تنها با اختصاص میزان زیادی از وقت به ورزش، انرژی برای رژیم گرفتن و یا صرف پول برای جراحی زیبایی امکان‌پذیر است.

### **ساختارگرایی و بدن**

سنت مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی ساخت‌گرا توجه زیادی به چگونگی تبلور قدرت و سرکوب اجتماعی در بدن جسمانی نشان می‌دهد. موس در مقاله تکنیک‌های بدن (۱۹۳۴) پیوند میان تکنیک‌های بدن و نظام‌های اجتماعی را نشان داده و با استفاده از مفهوم عادات‌واره مختص بودن فعالیت‌های بدنی و جسمانی را به یک فرهنگ و جامعه خاص نشان می‌دهد و آن را دستاوردهای تاریخی‌ای می‌داند که به واسطه آن مردمان یک فرهنگ و جامعه می‌آموزند که چگونه از بدن‌هایشان استفاده کنند. به نظر وی چنین استفاده‌هایی فنی، سنتی و کارآمد هستند. آنها به وسیله مجموعه خاصی از حرکات یا فرم‌ها شکل می‌گیرند و به وسیله ابزارهای تعلیم و آموزش به دست می‌آیند و هدف یا وظیفه معینی را انجام می‌دهند (کراسلی، ۱۹۹۵).



داگلاس یکی دیگر از صاحب‌نظران حوزه انسان‌شناسی، بدن را به عنوان یک متن فرهنگی در نظر می‌گیرد که ارزش‌های فرهنگی، اشتغال و اضطراب‌های خاص یک فرهنگ خاص را منعکس می‌سازد و تجلی عینی بدن می‌بخشد. وی که بر جنبه‌های نمادین زندگی اجتماعی تاکید دارد، بدن انسان را نیز ابزار تفکر در خصوص روابط استعاره‌ای دانسته و معتقد است «بدن انسانی، منبع مهمی از استعاره‌ها در باره سازمان‌یافتگی و سازمان‌نیافتگی جامعه است. از این رو بدن‌های سازمان‌یافته، سازمان‌نیافته، سازمان‌نیافتگی جامعه را نشان می‌دهد (ترنر، ۱۹۹۶).

در مکتب ساختارگرایی، بوردیو و گیدنز از مهمترین جامعه‌شناسانی هستند که در مورد بدن بحث نموده‌اند. از نظر بوردیو، بدن‌ها حامل و ناقل ساخت‌های رابطه‌ای و نهادی‌اند. به عبارت دیگر، بدن به منزله حامل و ناقل نمادین هنجارهای اجتماعی عمل می‌کند (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵). مفهوم‌سازی بوردیو از سرمایه فیزیکی نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای در رشد جامعه‌شناسی بدن داشته است. وی سرمایه بدنی را به مثابه یکی از انواع فرعی سرمایه فرهنگی، نوعی منبع فرهنگی می‌داند که در بدن سرمایه‌گذاری شده است (بوردیو، ۱۹۸۶). تولید سرمایه جسمانی به شکل‌دهی اجتماعی بدن‌ها توسط افراد از طریق ورزش، فراغت و دیگر فعالیت‌ها اشاره دارد که خود ریشه در عادت‌واره‌های افراد دارد. این شکل‌دهی به گونه‌ای است که منطبق با جایگاه طبقاتی افراد است و ارزش منزلتی ویژه‌ای به آن‌ها می‌بخشد.

همچنین، وی معتقد است که مدیریت بدن، مرکزی برای اکتساب پایگاه و حفظ طبقه و دیگر تمایزات افراد است. به نظر بوردیو طبقات اجتماعی مختلف به شیوه‌های گوناگونی با بدن خود برخورد می‌کنند. بوردیو (۱۹۹۰) همچنین، بدن را یک عامل مقایسه‌ای در نظر می‌گیرد که تقسیمات جامعه را خواه بین جنس‌ها و یا طبقات اجتماعی تجلی می‌بخشد؛ یعنی بدن افراد با معانی و ارزش‌های مرتبط با جایگاه‌های ساختاری آن‌ها منطبق می‌شود. بنابراین، بدن به عنوان شکلی جامع از سرمایه فیزیکی، می‌تواند دربردارنده منزلت و شکل‌های نمادین متمایز کننده باشد. او با در نظر گرفتن سرمایه فیزیکی، هویت افراد را در پیوند با ارزش‌های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدنی می‌بیند (شیلینگ، ۲۰۰۳).

به باور گیدنز، یکی از مولفه‌های سبک زندگی، مقوله بدن افراد است که در دوران مدرن تبدیل به پروژه‌ای بازاندیشانه شده است. به نظر وی بدن به عنوان مستقیم‌ترین و در دسترس‌ترین قرارگاهی است که می‌تواند حامل و نمایشگر سبک‌های زندگی و اشکال هویتی باشد (گیدنز، ۱۳۸۷). به اعتقاد گیدنز بدن فقط ابزاری برای کنش و واکنش‌های موضعی نیست. بدن دستگاهی طبیعی است که صاحبش باید به دقت از آن مراقبت کند. این دستگاه دارای حیثیت است و سرچشمه بسیاری از رنج‌ها و لذت‌ها محسوب می‌شود. در واقع، گیدنز (۱۳۸۷) معتقد است بدن نوعی دستگاه متحرک است، مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌هاست و غوطه‌ور شدن عملی آن در کنش‌های متقابل زندگی روزمره یکی از ارکان عمده حفظ و تحکیم مفهوم منسجم و یکپارچه‌ای از هویت شخصی است. بعضی از وجوه عمده بدن که مناسبت‌هایی با خود و هویت شخصی دارند از تمایزهایی برخوردارند. سیمای ظاهری بدن، مشکل بر ویژگی‌های سطحی پیکر ماست و برای دیگران قابل رویت است، کردار بدنی، مشخص‌کننده آن است که فرد از سیمای ظاهری خود چگونه در



فعالیت‌های روزمره استفاده می‌کند. گیدنز بر این باور است که با فرا رسیدن عصر جدید برخی از انواع سیمای ظاهری به صورت یکی از عناصر مرکزی طرحی در آمده که افراد به طور بازاندیشانه از «خود» ارائه می‌دهند و کردار به شدت تحت تاثیر محیط‌های گوناگون اجتماعی قرار گرفته است. افراد می‌کوشند تا سیمای ظاهری و کردار خود را به اقتضای وضع و حال هر نوع محیط هماهنگ سازند.

در کل این گونه از نظریه گیدنز استنباط می‌شود که امروزه افراد با نوع مدیریت کردن برنامه‌های خود حول نوع غذا، رژیم گرفتن، ورزش کردن، لباس پوشیدن و غیره سعی در متمایز کردن خود از دیگران توسط سبک و حالات بدنشان را دارند. در واقع، می‌توان بیان کرد که یکی از کارکردهای مدیریت بدن، هویت‌بخشی و ایجاد تمایز بین افراد است.

### رویکرد پسا ساختارگرایی

برای پسا ساختارگرایان بدن به مثابه پدیده‌ای طبیعی و زیستی وجود ندارد، بلکه زبان و دیگر صورت‌های بازنمایی آن را شکل می‌دهند و بدان معنا می‌بخشند. از این رو، دسترسی به هرگونه تفسیری از بدن و تجلیات آن تابع زبان است و با ارجاع به قواعد علمی عام قابل حصول نیست (ذکایی، ۱۳۸۶).

از مهمترین اندیشمندان این رویکرد می‌توان به میشل فوکو اشاره نمود. در نگاه فوکو بدن علاوه بر تاثیرپذیری از ساختارهای کلان اجتماعی، می‌تواند مستقیماً از سوی دارنده آن نیز متاثر گردد. راهبردهای خود نزد فوکو به روش‌های مختلف اطلاق می‌شود که از طریق آنها، افراد روی بدن‌هایشان کار می‌کنند تا به حس رضایت برسند. نکته قابل توجه در این است که تاثیرگذاری افراد بر بدن‌هایشان، خود نیز منبعث از گفتمان‌های غالب اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که در آرا فوکو، خودهای برساخته اجتماع به صورت بدنی شده و متجسد هستند. به طور خلاصه، «خود» از طریق روش‌هایی حاصل می‌شود که در آنها بدن‌های خود را دسته‌بندی و آنها را مدیریت می‌کنیم. و فراتر از آن به انضباط کشاننده و تنظیم می‌کنیم. در چنین وضعی وقتی که فرد جوان، قدرت اعمال مدیریت اندکی در دیگر موارد دارد، بدنش به عنوان محیط مهمی برای اعمال قدرت به ابزار لذت مبدل می‌گردد. به عنوان مثال تصویری که یک جوان از استعمال سیگار دارد، درکی که از خود، آن‌گاه که مد مخصوص را می‌پوشد یا تصویرش در آینه، هنگامی که از باشگاه بدن‌سازی بیرون می‌آید برایش لذت بخش است. سوراخ کردن گوش و آویختن زیورآلات و خالکوبی نمونه‌های دیگری از این اعمال قدرت بر بدن‌هاست. در واقع، وقتی روش‌های دیگر اعمال مدیریت، نظیر درگیر شدن در کار دلخواه دیرپا می‌شود، لذت‌جویی آنی از طریق اعمال مدیریت بر واسطه‌ترین دارایی، یعنی بدن، فعالیت جدی به شمار می‌رود (فوکو، ۱۳۹۳).

### پست‌مدرنیسم و بدن

فدرستون در کتاب فرهنگ مصرفی و پسامدرنیسم با تشریح تاثیرات مدرنیته متاخر یا پسامدرنیسم علاقه عامه مردم نسبت به کامل جلوه کردن، خلاق و فریبنده بودن، کنترل داشتن نسبت به بدن، خلاقیت افراد نسبت به سبک زندگی خویش و مصرف سبک‌های متغیر را از ویژگی‌های این مرحله از تکامل اجتماعی و اقتصادی جوامع می‌داند. از نظر وی فرهنگ



مصرفی مسئولیت حفاظت و نگهداری از بدن را به خود فرد می‌سپارد و او را تشویق می‌کند تا از راهبردهای ابزاری برای مبارزه با افول و فساد بدن خویش استفاده کند و این ایدئولوژی را ترویج می‌کند که بدن ناقل لذت و خود ابزاری است (فدرستون، ۲۰۰۱). همچنین فدرستون (۲۰۱۰) معتقد است که در درون فرهنگ مصرفی، تبلیغات، فشارهای عمومی و تلویزیون تعداد کثیری از تصاویر بدنی سبک‌وار را فراهم می‌کند. به علاوه، رسانه‌های جمعی مدام به مزایای آرایش بدن تاکید می‌کنند. در رسانه‌ها، برای ارائه تصاویر از بدن‌های زیبا، ستارگان و افراد مشهور استفاده می‌شود. به باور وی، عامل اصلی تنظیم و مدیریت بدن در فرهنگ مصرفی رسانه‌ها و تکنولوژی‌ها هستند (به نقل از ادیبی‌سده و همکاران، ۱۳۹۰).

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، به روش فراتحلیل انجام می‌پذیرد. فراتحلیل را هنر ترکیب تحقیقات و تحلیل تحلیل‌ها می‌نامند و در واقع روش کلمه‌ای برای تلفیق نتایج تحقیقات مستقل و مشابه و ترکیب یافته‌های آنها برای ارزیابی اثربخشی عمل آزمایشی است. این روش، رویکردی واضح، بدون ابهام و نظام‌مند دارد و سعی می‌کند که پیامدهای سازگار با اهداف تحقیق را ایجاد نماید (قربانی و حسن‌نانگیر، ۱۳۹۳). در تعریف دیگر، فراتحلیل عبارت از رویکرد کمی / عددی است که برای ترکیب نظام‌مند / روش‌مند تحقیقات قبلی و آن‌چه که توسط محققین پیشین انجام شده است برای دستیابی به جمع‌بندی درباره بدنه تحقیق و کشف دانش جدید انجام می‌شود. این روش کمی می‌تواند به اثربخشی یافته‌ها، کشف خلا علمی و برنامه‌ریزی برای پژوهش‌های جدید در زمینه موضوع کاربردی مورد نظر منجر شود (قربانی، ۱۳۹۲).

در فراتحلیل، ادبیات موضوع از منابع مکتوب، مورد مرور نظام‌مند قرار می‌گیرد تا مشخص شود که بر مبنای تحقیقات گذشته، اثر یک متغیر روی متغیر دیگر چقدر است. این روش مشابه تحقیقات مقطعی است که در آن موضوع مورد مطالعه به جای افراد، نتایج تحقیقات است. فراتحلیل یک نوع مرور ادبیات است که در آن برای تلخیص یافته‌های پژوهش‌های مختلفی که روی موضوع واحدی انجام شده است، از روش‌های کمی استفاده می‌شود. در اینجا به این نکته تاکید می‌شود که فراتحلیل فقط زمانی به کار می‌رود که مطالعات مورد بررسی کمی باشند (هومن، ۱۳۹۲). در فراتحلیل، ابتدا موضوع انتخاب می‌شود. سپس مسئله فرموله شده و مطالعاتی جمع‌آوری می‌شوند که با موضوع مرتبط بوده و همگی فرضیه یکسانی را بررسی کرده‌اند. مشخصه‌های مطالعات کدگذاری و استخراج شده، آماره‌ها و میانگین و سایر داده‌های آماری به اندازه اثر تبدیل می‌شود. در نهایت، اندازه اثرها با هم ترکیب شده و اندازه اثرهای ترکیب شده، تفسیر می‌شود. در نوشتار حاضر، ابتدا بررسی‌های صورتی مقالات، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بررسی‌های شکلی و صورتی به موضوعاتی مانند انواع میزان همکاری محققان، روش تحقیق مقالات، متغیرهای وابسته، جامعه آماری و متغیرهای مستقل پرداخته می‌شود. بعد از بررسی‌های صورتی به بررسی اندازه اثر هر یک از متغیرها پرداخته می‌شود. اندازه اثر شاخصی است کمی که نتایج و یافته‌های آماری مطالعات در قالب آن خلاصه و یک‌دست می‌شود. اندازه اثر عنصری کلیدی در فراتحلیل بوده و در واقع، فراتحلیل را ممکن می‌کند. هدف استفاده از اندازه اثر، یک شکل کردن یافته‌های آماری گوناگون مطالعات در



شاخصی عددی و اندازه‌ای مشترک است تا امکان مقایسه و ترکیب نتایج آماری مطالعات فراهم شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه مقالات مرتبط با موضوع مدیریت بدن است که در مجلات معتبر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۴۰۰ چاپ شده‌اند. شرط انتخاب مقالات بدین صورت است که مقالاتی انتخاب شوند که به طور کامل به موضوع مدیریت بدن پرداخته‌اند. در نهایت ۳۱ مقاله مرتبط با موضوع مدیریت بدن از مجلات علمی پژوهشی معتبر انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفتند.

برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مورد نظر، پس از کدگذاری، از برنامه فرا تحلیل جامع برای انجام محاسبات آماری فراتحلیل استفاده گردید. بدین صورت که آزمون‌های آماری استفاده شده در فرضیه‌ها پس از تبدیل به اندازه اثر از طریق فرمول‌های ارائه شده توسط وولف، با ترکیب اندازه‌های اثر به روش هانتز و اشمیت مورد تحلیل قرار گرفتند. همچنین برای تفسیر اندازه اثر از جدول کوهن (۱۹۷۷) بهره گرفته شد (مطابق جدول ۱).

#### جدول ۱. جدول توزیع طبقات اندازه اثر بر مبنای بر آورد آماره‌ها

مقدار d	مقدار r	تفسیر اندازه اثر
کمتر از ۰/۵	کمتر از ۰/۳	اندازه اثر کم
از ۰/۵ تا ۰/۸	از ۰/۳ تا ۰/۵	اندازه اثر متوسط
۰/۸ و بیشتر	۰/۵ و بیشتر	اندازه اثر زیاد

#### یافته‌های پژوهش

جدول ۲ نشان‌دهنده توزیع فراوانی و درصدی بر حسب میزان همکاری محققان در تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن می‌باشد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که ۴۵ درصد (۱۴ مورد) از تحقیقات انجام شده، توسط دو محقق نوشته شده است و این مقدار دارای بیشترین میزان است. بعد از آن، تحقیقات انجام شده توسط سه نفر با ۴۲ درصد (۱۳ مورد) و تحقیقات دارای یک محقق با ۱۰ درصد (۳ مورد) دارای بیشترین میزان می‌باشند. همچنین تحقیقات دارای چهار نویسنده با ۳ درصد (۱ مورد) در رتبه بعدی قرار دارند. میزان همکاری و کار گروهی محققان در تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن در حد خوب می‌باشد و محققان در این زمینه به صورت مناسبی به طور گروهی باهم کار می‌کنند که این باعث می‌شود مسئله مدیریت بدن از چندین زاویه متفاوت نگریسته شود و مورد تحلیل قرار گیرد.

#### جدول ۲. توزیع فراوانی و درصدی بر حسب میزان همکاری محققان

محققان	تعداد	درصد
یک نفر	۳	۱۰
دو نفر	۱۴	۴۵





۴۲	۱۳	سه نفر
۳	۱	چهار نفر
۱۰۰	۳۱	جمع کل

جدول ۳ توزیع فراوانی و درصدی روش پژوهش تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن را نشان می‌دهد. نتایج حاصله از مرور متون تحقیقاتی برگزیده برحسب روش تحقیق نشان می‌دهد که نوع روش‌های به کار رفته در مطالعات مربوط به مدیریت بدن متعدد و متنوع است. روش توصیفی-تحلیلی با ۶۶ درصد (۲۱ مورد) به عنوان شایع‌ترین روش مطالعه در تحقیقات مرور شده مطرح است. در مراتب بعدی روش‌های کیفی و اسنادی به ترتیب با ۱۶ درصد (۵ مورد) و ۱۳ درصد (۴ مورد) قرار دارند. بیشترین تحقیقات با روش توصیفی-تحلیلی، اسنادی و کیفی انجام شده است و تنها تعداد اندکی (۱ مورد) از تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن با روش توصیفی صورت گرفته است. لذا نیاز به تحقیقات توصیفی بیشتری در زمینه مدیریت بدن احساس می‌شود.

### جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی بر حسب روش تحقیق

درصد	تعداد	روش تحقیق
۶۶	۲۱	توصیفی-تحلیلی
۱۶	۵	کیفی
۱۳	۴	اسنادی
۳	۱	توصیفی
۱۰۰	۳۱	جمع کل

جدول ۴ توزیع فراوانی و درصدی جامعه آماری مورد بررسی در تحقیقات مرور شده را نشان می‌دهد. طبق داده‌های جدول شماره ۴، ۲۹ درصد (۹ مورد) از تحقیقات مرور شده بر روی دختران و زنان تمرکز کرده‌اند که این مورد دارای بیشترین میزان می‌باشد. بعد از آن، جامعه آماری جوانان دختر و پسر، دانشجویان دختر و افراد عمل زیبایی کرده، هر کدام با ۱۶ درصد (۵ مورد)، رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. جامعه آماری دانشجویان دختر و پسر با ۱۰ درصد (۳ مورد)، دارای کمترین میزان از نظر جامعه آماری در بین تحقیقات مرور شده می‌باشد.

### جدول ۴. توزیع فراوانی و درصدی بر حسب جامعه مورد بررسی

درصد	تعداد	جامعه آماری
۲۹	۹	دختران و زنان
۱۶	۵	جوانان دختر و پسر
۱۶	۵	دانشجویان دختر



۱۶	۵	افراد عمل زیبایی کرده
۱۰	۳	دانشجویان دختر و پسر
۱۳	۴	سایر
۱۰۰	۳۱	جمع کل

جدول ۵ نشان‌دهنده توزیع فراوانی و درصدی تحقیقات مرور شده بر حسب وضعیت فرضیه در زمینه مدیریت بدن می‌باشد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که ۶۶ درصد (۲۱ مورد) از تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن دارای فرضیه می‌باشند و حدود ۴۴ درصد (۱۰ مورد) در این زمینه فاقد فرضیه هستند. با توجه به اهمیت و رکن اصلی بودن فرضیه در تحقیق لازم است که تحقیقات انجام شده دارای فرضیه باشند، البته این مورد بیشتر در تحقیقات توصیفی تحلیلی صدق می‌کند و نبود فرضیات می‌تواند یک ضعف جدی باشد. انتقاد ذکر شده به دلیل داشتن فرضیه در همه تحقیقات توصیفی - تحلیلی شامل این تحقیقات مرور شده نمی‌شود. ولی در مورد تحقیقات توصیفی، کیفی و اسنادی نبود فرضیات یک ضعف به حساب نمی‌آید.

#### جدول ۵. توزیع فراوانی و درصدی بر حسب وضعیت فرضیه

وضعیت فرضیه	تعداد	درصد
دارای فرضیه	۲۱	۶۶
فاقد فرضیه	۱۰	۴۴
جمع کل	۳۱	۱۰۰

جدول ۶ توزیع فراوانی و درصدی بر حسب دارا بودن مبانی یا چهارچوب نظری تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن را نشان می‌دهد. براساس یافته‌های این جدول، ۶۱ درصد (۲۱ مورد) از تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن دارای مبانی نظری می‌باشند، این در حالی است که حدود ۳۹ درصد (۱۰ مورد) تحقیقات انجام شده دارای چهارچوب نظری است. با توجه به این مطلب که همه تحقیقات توصیفی - تحلیلی چون دارای فرضیه هستند، فرضیه همه آنها باید منبعث از چهارچوب نظری باشد که ۱۹ مورد از کل تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن که ۲۱ مورد بودند، دارای چهارچوب نظری می‌باشد و دو مورد از آنها چهارچوب خاصی را برای کارشان مشخص نکرده‌اند که این مطلب با توجه به توصیفی - تحلیلی بودن کار، یک ضعف عمده به شمار می‌رود.

#### جدول ۶. توزیع فراوانی و درصدی بر حسب داشتن مبانی یا چهارچوب نظری

واحد تحلیل	تعداد	درصد
مبانی نظری	۱۹	۶۱
چهارچوب نظری	۱۲	۳۹



۱۰۰	۳۱	جمع کل
-----	----	--------

جدول ۷ توزیع فراوانی و درصدی بر حسب متغیرهای حاضر در فرضیه تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن را نشان می‌دهد. براساس فرضیات طرح شده در تحقیقات مرور شده، به استخراج و طبقه‌بندی متغیرهای اثرگذار (متغیرهای مستقل) بر مدیریت بدن پرداخته شد. این متغیرها در فرضیات تحقیقات مرور شده مشتمل بر ۳۶ متغیر است. در جدول شماره ۷ هر یک از متغیرهای مستقل در فرضیات تحقیقات برگزیده، بر حسب تعداد و فراوانی حضور هر یک در فرضیات آورده شده‌اند. همان‌طور که اطلاعات این جدول نشان می‌دهد، با توجه به تعدد حضور متغیرها در فرضیات تحقیقات برگزیده، متغیر سن با ۹ مورد و سرمایه فرهنگی با ۷ مورد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از این دو متغیر، متغیرهای مذهبی بودن و مصرف رسانه‌های خارجی هر کدام با ۶ مورد، متغیرهای وضع تاهل، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و تحصیلات هر کدام با ۵ مورد، و متغیرهای طبقه و سرمایه اقتصادی هر کدام با ۴ مورد حضور در فرضیات تحقیقات مورد بررسی، بیشترین میزان را دارا می‌باشند.

**جدول ۷. توزیع فراوانی و درصدی بر حسب متغیرهای حاضر در فرضیه**

ردیف	متغیر	تعداد	ردیف	متغیر	تعداد
۱	سن	۹	۱۹	مقایسه اجتماعی	۲
۲	سرمایه فرهنگی	۷	۲۰	مصرف گرایی	۲
۳	مذهبی بودن	۶	۲۱	مصرف فرهنگی	۲
۴	مصرف رسانه خارجی	۶	۲۲	سرمایه اجتماعی	۲
۵	وضع تاهل	۵	۲۳	مصرف رسانه داخلی	۲
۶	پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۵	۲۴	نگرش فمینیستی	۲
۷	تحصیلات	۵	۲۵	سبک زندگی مدرن	۲
۸	طبقه	۴	۲۶	سبک زندگی سنتی	۲
۹	سرمایه اقتصادی	۴	۲۷	جهانی شدن	۲
۱۰	جنس	۳	۲۸	عوامل ذهنی	۲
۱۱	اعتماد به نفس	۳	۲۹	سلامت روانی	۱
۱۲	فعالیت فراغتی	۳	۳۰	تشخص طلبی	۱
۱۳	تبلیغات	۳	۳۱	مقاصد جنسی	۱
۱۴	شغل	۳	۳۲	مشارکت	۱
۱۵	دوستان	۳	۳۳	سلیقه	۱



۱	هماندسازی	۳۴	۳	پذیرش اجتماعی	۱۶
۱	تنوع طلبی	۳۵	۳	هویت فردی	۱۷
۱	عادات تغذیه‌ای	۳۶	۲	فشار اجتماعی	۱۸

جدول ۸ نشان‌دهنده توزیع فراوانی و درصدی بر حسب نظریات تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن می‌باشد. براساس داده‌های این جدول، بیشترین میزان نظریه استفاده شده به نظریه بوردیو درباره بدن مربوط می‌شود، به طوری که ۶۶ درصد (۲۱ مورد) از تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن از نظریه بوردیو استفاده کرده‌اند. بعد از این نظریه، نظریه گیدنز با ۶۳ درصد (۲۰ مورد) و نظریه گافمن با ۵۱ درصد (۱۶ مورد) در رده بعدی بیشترین نظریه استفاده شده در مطالعات مرور شده قرار دارند. همچنین نظریات فوکو و نظریات فمینیستی هر کدام با ۲۶ درصد (۸ مورد)، نظریه داگلاس با ۱۹ درصد (۶ مورد) و نظریات وبلن و ترنر با ۱۶ درصد (۵ مورد) دارای رتبه‌های بعدی در بیشترین استفاده از نظریه در تحقیقات مرور شده می‌باشند.

جدول ۸. توزیع فراوانی و درصدی بر حسب نظریات مورد استفاده

درصد از مطالعه	تعداد	نظریه	ردیف	درصد از مطالعه	تعداد	نظریه	ردیف
۷	۲	موس	۱۱	۶۶	۲۱	بوردیو	۱
۷	۲	زیمل	۱۲	۶۳	۲۰	گیدنز	۲
۷	۲	بودریار	۱۳	۵۱	۱۶	گافمن	۳
۷	۲	شیلینگ	۱۴	۲۶	۸	فوکو	۴
۳	۱	نظریه مبادله	۱۵	۲۶	۸	نظریات فمینیستی	۵
۳	۱	رابرتسون	۱۶	۱۹	۶	داگلاس	۶
۳	۱	فدرستون	۱۷	۱۶	۵	وبلن	۷
۳	۱	بارت	۱۸	۱۶	۵	ترنر	۸
۳	۱	مک رابی	۱۹	۱۳	۴	الیاس	۹
				۱۰	۳	هیدایچ	۱۰

#### اندازه اثر هر یک از متغیرهای حاضر در فرضیات

جدول ۹، نه مورد از بیشترین اندازه‌های اثر متغیرهای اثرگذار بر مدیریت بدن را نشان می‌دهد. در متغیر مذهبی بودن، نتایج آزمون همگنی حکایت از معناداری این آزمون دارد، که نشان می‌دهد مطالعات تا حد زیادی ناهمگون‌اند، تلفیق



آن‌ها با مدل اثرات ثابت موجه نیست و باید از مدل اثرات تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. در واقع، این آزمون به ما می‌گوید که شش فرضیه مربوط به رابطه مذهبی بودن و مدیریت بدن، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصه‌های مطالعات متفاوت‌اند. نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه مذهبی بودن و مدیریت بدن، در شش فرضیه بررسی شده معادل  $0/33$ ، منفی و معنادار می‌باشد. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن (جدول ۱)، اندازه اثر بین مذهبی بودن و مدیریت بدن در شش مطالعه در حد متوسط می‌باشد.

همچنین با توجه به آزمون همگنی و اثرات ترکیب تصادفی، رابطه بین مصرف رسانه خارجی و مدیریت بدن در شش فرضیه برابر  $0/30$ ، مثبت و معنادار بود. با توجه جدول کوهن، اندازه اثر بین مصرف رسانه خارجی و مدیریت بدن در این شش مطالعه در حد متوسط است.

نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در هفت فرضیه حدود  $0/27$ ، مثبت و معنادار بود. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در هفت مطالعه در حد ضعیف می‌باشد. همچنین با توجه به آزمون همگنی و اثرات ترکیب تصادفی، رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و مدیریت بدن در پنج فرضیه برابر  $0/26$ ، مثبت و معنادار است. با توجه جدول کوهن، اندازه اثر بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و مدیریت بدن در این پنج مطالعه در حد ضعیف است.

نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه وضع تاهل و مدیریت بدن در پنج فرضیه حدود  $0/22$ ، مثبت و معنادار است. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی وضع تاهل و مدیریت بدن در پنج مطالعه در حد ضعیف می‌باشد. در متغیر سرمایه اقتصادی، معناداری آزمون همگنی نشان می‌دهد که نتایج تلفیق اثرات را به صورت تصادفی باید بررسی کرد، با توجه به نتایج این جدول، رابطه سرمایه اقتصادی و مدیریت بدن در چهار فرضیه برابر  $0/20$ ، منفی و معنادار می‌باشد. با توجه جدول کوهن، اندازه اثر بین سرمایه اقتصادی و مدیریت بدن در این چهار مطالعه در حد ضعیف است.

در متغیر طبقه، عدم معناداری در آزمون همگنی حکایت از این دارد که مطالعات تا حد همگون‌اند، تلفیق آن‌ها با مدل اثرات ثابت موجه می‌باشد. آزمون اثرات ثابت به ما می‌گوید که پنج فرضیه مربوط به رابطه طبقه و مدیریت بدن، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصه‌های مطالعات مشابه‌اند. نتایج اثرات ثابت نشان می‌دهد که رابطه طبقه و مدیریت بدن، در چهار فرضیه بررسی شده معادل  $0/20$ ، مثبت و معنادار می‌باشد. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، اندازه اثر بین طبقه و مدیریت بدن در چهار مطالعه در حد ضعیف می‌باشد.

همچنین با توجه به آزمون همگنی و اثرات ترکیب تصادفی، رابطه بین سن و مدیریت بدن در نه فرضیه برابر  $0/17$ ، منفی و معنادار بود. با توجه جدول کوهن، اندازه اثر بین سن و مدیریت بدن در این چهار مطالعه در حد ضعیف است. علاوه بر این، نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه تحصیلات و مدیریت بدن در پنج فرضیه حدود  $0/16$ ، مثبت و



معنادار بود. با توجه به جدول کوهن می توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی تحصیلات و مدیریت بدن در پنج مطالعه در حد ضعیف می باشد.

### جدول ۹. یافته های فراتحلیل پژوهش با ترکیب اندازه اثر به روش اشمیت و هانتز

درجه آزادی	آزمون همگنی	فاصله اطمینان اثرات تصادفی	فاصله اطمینان اثرات ثابت	اثرات ترکیبی تصادفی	اثرات ترکیبی ثابت	تعداد مطالعه	آماره متغیرهای مستقل
۵	۱۰۷/۵*	-(۰/۰-۱۴/۵۰)	-(۰/۰-۲۵/۳۳)	-۰/۳۳*	-۰/۲۹*	۶	مذهبی بودن
۵	۱۰۱/۶*	۰/۰-۱۳/۴۴	۰/۰-۲۷/۳۴	۰/۳۰*	۰/۳۱*	۶	مصرف رسانه خارجی
۶	۵۶/۴*	۰/۰-۳۱/۳۸	۰/۰-۱۶/۳۸	۰/۲۷*	۰/۳۴*	۷	سرمایه فرهنگی
۴	۳۴/۲*	۰/۰-۱۰/۴۰	۰/۰-۲۵/۳۵	۰/۲۶*	۰/۳۰*	۵	پایگاه اجتماعی- اقتصادی
۴	۱۹۵/۴*	۰/۰-۱۳/۵۳	۰/۰-۱۷/۲۴	۰/۲۲*	۰/۲۳*	۵	وضع تاهل
۳	۲۴/۴*	۰/۰-۰۳/۳۳	۰/۰-۱۶/۲۶	۰/۲۰*	۰/۲۱*	۴	سرمایه اقتصادی
۳	۷/۲	۰/۰-۱۰/۲۷	۰/۰-۱۵/۲۵	۰/۱۹*	۰/۲۰*	۴	طبقه
۸	۱۹/۶*	-(۰/۰-۱۰/۲۳)	-(۰/۰-۱۵/۲۵)	-۰/۱۷*	-۰/۱۸*	۹	سن
۴	۳۵/۵*	۰/۰-۰۱/۳۰	۰/۰-۱۷/۲۵	۰/۱۶*	۰/۲۱*	۵	تحصیلات

\* به معنای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵

### بحث و نتیجه گیری

از آنجا که بدن یکی از شاخص های نهایی و بیان های غایی جهان اجتماعی است که در آن قرار داریم، می توانیم بپذیریم که داشتن بدن زیبا نشانه ارزش های اجتماعی و تا حدودی، سازوکار قدرت و کنترل اجتماعی است. لذا، در اینجا با چشم انداز نظری روبه رو هستیم که بر نقش فعال بدن در جهان اجتماعی تأکید می کند. بنابراین، بدن را می توان به عنوان جنبه اساسی «خودنمایی» تلقی نمود. مطالعه زیبایی ظاهری و بدن انسانی از مسایل مهم جامعه امروزی است. دلیل این امر آن است که در جوامع پیشامدرن فرد در جمع مستحیل بود و انتخاب و تغییر شرایط موجود به مانند جوامع مدرن امروزی زمینه ای برای ظهور پیدا نمی کرد. در دوران جدید، افراد در عرصه های تصمیم گیری و مشارکت در شبکه های اجتماعی نقشی مهم دارند. لذا با توجه به اهمیت این موضوع در جهان امروز در پژوهش حاضر با استفاده از روش فراتحلیل به نقد و ارزیابی مقالات نوشته شده در حوزه مدیریت بدن پرداخته شده است.



در همین راستا یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن توسط دو محقق نوشته شده و این مقدار دارای بیشترین میزان است. بعد از آن، تحقیقات انجام شده توسط سه نفر با ۴۲ درصد (۱۳ مورد) و تحقیقات دارای یک محقق با ۱۰ درصد (۳ مورد) دارای بیشترین میزان می‌باشند. روش توصیفی - تحلیلی با ۶۶ درصد به عنوان شایع‌ترین روش مطالعه در تحقیقات مرور شده است. در مراتب بعدی روش‌های کیفی و اسنادی به ترتیب با ۱۶ درصد و ۱۳ درصد قرار دارند. ۲۹ درصد از تحقیقات مرور شده بر روی دختران و زنان تمرکز کرده‌اند که این میزان دارای بیشترین فراوانی می‌باشد. بعد از آن، جامعه آماری جوانان دختر و پسر، دانشجویان دختر و افراد عمل زیبایی کرده، هر کدام با ۱۶ درصد، رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.

سایر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۶۶ درصد از تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن دارای فرضیه می‌باشند و حدود ۴۴ درصد در این زمینه فاقد فرضیه هستند. ۶۱ درصد از تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن دارای مبانی نظری می‌باشند، این در حالی است که حدود ۳۹ درصد تحقیقات انجام شده دارای چهارچوب نظری است. با توجه به این مطلب که همه تحقیقات توصیفی - تحلیلی چون دارای فرضیه هستند، فرضیه همه آنها باید منبعث از چهارچوب نظری باشد، ۱۹ مورد از ۲۱ تحقیق مرور شده در زمینه مدیریت بدن، دارای چهارچوب نظری می‌باشد و دو مورد از آنها چهارچوب خاصی را برای کارشان مشخص نکرده‌اند.

متغیر سن با ۹ مورد و سرمایه فرهنگی با ۷ مورد بر حسب متغیرهای حاضر در فرضیه تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از این دو متغیر، متغیرهای مذهبی بودن و مصرف رسانه‌های خارجی هر کدام با ۶ مورد، متغیرهای وضع تاهل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و تحصیلات هر کدام با ۵ مورد، و متغیرهای طبقه و سرمایه اقتصادی هر کدام با ۴ مورد حضور در فرضیات تحقیقات مورد بررسی، بیشترین میزان را دارا می‌باشند.

بیشترین میزان رویکرد نظری استفاده شده در تحقیقات مرور شده، به نظریه بورديو درباره بدن مربوط می‌شود، به طوری که ۶۶ درصد از تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن از نظریه بورديو استفاده کرده‌اند. بعد از این نظریه، نظریه گیدنز با ۶۳ درصد و نظریه گافمن با ۵۱ درصد در رده بعدی بیشترین نظریه استفاده شده در مطالعات مرور شده قرار دارند. همچنین نتایج اندازه اثر ترکیبی نشان می‌دهد که متغیرهای مذهبی بودن و مصرف رسانه‌های خارجی بیشترین تاثیر را بر مدیریت بدن در مطالعات مرور شده دارند. اندازه اثرات متغیرهای مذهبی بودن و مصرف رسانه‌های خارجی با مدیریت بدن در حد متوسط می‌باشد. جهت رابطه مذهبی بودن با مدیریت بدن معکوس و رابطه مصرف رسانه‌های خارجی و مدیریت بدن مستقیم می‌باشد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، برخی از نواقص تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن به شرح زیر می‌باشد:

- تعداد اندکی از تحقیقات مرور شده در زمینه مدیریت بدن با روش توصیفی و کیفی صورت گرفته است.



- سطح تحلیل اکثر مطالعات مرور شده در زمینه مدیریت بدن خرد می باشد و با توجه به ریشه های ساختاری و کلان هر پدیده اجتماعی لازم است تحقیقات بیشتری با واحد تحلیل فراتر از فرد صورت گیرد.
- باید سعی شود در همه تحقیقاتی که دارای فرضیه می باشند فرضیه ها از چهارچوب نظری مشخصی منبعث شوند و تحقیقات ملزمند تا به تعیین چهارچوب نظری پردازند و از کلی گویی دوری کنند.
- همچنین با توجه به این که نتایج تحقیق نیز نشان می دهد نظریه های مناسب برای تبیین مدیریت بدن در ایران نظریات بوردیو و گیدنز هستند، به محققان پیشنهاد می شود که بیشتر از این نظریه ها به مسئله مدیریت بدن بنگرند.





## منابع

- یوسفی، رحیم؛ پیری، فائزه (۱۳۹۵). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه دوجین کثیف. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بلینی ایران، ۲۲، ۱، ۶۷-۷۶.
- اباذری، یوسف و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷)، «روان‌شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات»، پژوهش زنان، سال ششم، شماره ۴، صص ۱۶۰-۱۲۷.
- ادیبی‌سده، مهدی، علیزاده، مهستی و کوهی، کمال (۱۳۹۰)، «تبیین مدیریت بدن در میان زنان»، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال نهم، شماره ۳، صص ۸۴-۵۹.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶)، «جوانان، بدن و فرهنگ تناسب»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۴۱.
- ذکایی، محمدسعید و فرزانه، حمیده (۱۳۸۷)، «زنان و فرهنگ بدن»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۶۱-۴۵.
- فوکو، میشل (۱۳۹۳)، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- قربانی‌زاده، وجه‌الله (۱۳۹۲)، روش تحقیق فراتحلیل با نرم افزار CMA2، تهران: انتشارات بازتاب.
- قربانی‌زاده، وجه‌الله، حسن‌نانگیر، سیدطه (۱۳۹۳)، راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم افزار CMA2، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- گرت، استفانی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقایی، تهران: دیگر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موقیان، تهران: نشر نی.
- لوپز، خوزه و اسکات، جان (۱۳۸۵)، ساخت اجتماعی، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- محمدی، محمدعلی، ودادهیر، ابوعلی، سیفی، علیرضا، مشتاق، روشنگر (۱۳۹۱)، «فراتحلیل مطالعات فقر در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۴۳-۷.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۲)، راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش علمی، تهران: انتشارات سمت.
- Bourdieu, P. (1986), Forms of capital in J. Ricchardson (ed) A hand book of the Sociology of education , New York: Greenwood Press.
- Bourdieu, P. (1990), The Logic of Practice, California: Stanford University Press.
- Chernin, K. (1986), The hungry self: woman, eating and identity, London: Virgo.
- Cohen, J. (1977), Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences, New York: Academic Press.
- Crossley, N. (1995), "Body Techniques, Agency and Intercorporeality: On Goffman S Relations in Public", Sociology, Vol. 29, No.1, pp: 133-149.
- Featherston, M. (2001), The Body: Social Process and Cultural Theory. London: SAGE Publications.
- Featherstone, M. (2010), "Body, Image and Affect in Consumer Culture", Body & Society Journal, Vol. 16, No. 1, pp: 193-221.
- Frost, I. (2003), "Doing Bodies Differently? Gender, Youth, Appearance and Damage", Journal of Youth Studies, Vol. 6, No.1, pp: 53-70.



Macsweny, M. (1993), *Anorexic bodies: a feminist and sociological perspective on anorexia nervosa*, London: Routledge.

Shilling, C. (2003), *The Body and Social Theory*, London: Sage Publications.

Turner, B. (1996), *The body and society*, London: Sage.



## study of factors affecting body management in Iran; A meta-analysis of existing research

Pooneh Arvaneh<sup>1</sup>, Roghayeh Khodayi Beyrami<sup>2</sup>

1-Master of Psychology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran

2-Master of Psychology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran

### Abstract

The problem of body management in behavioral and social sciences has been seriously studied by researchers for several years, and this field is a new and emerging field in the field of human sciences in Iran. Therefore, according to the research conducted in this field, the necessity of criticism and meta-analysis of the studies conducted in this field seems necessary. The current research was conducted with the aim of meta-analysis of studies conducted in the last decade in the field of body management. The findings of the research indicate that the descriptive-analytical method is the most common method of study in the reviewed researches. The variables of age, cultural capital, religiosity, and consumption of foreign media according to the variables present in the hypothesis of the reviewed research, have the highest amount. Also, the highest amount of theoretical approach used in the reviewed research is related to Bourdieu and Giddens theories about the body. In addition, the results of the combined effect size show that the variables of religiousness and foreign media consumption have the greatest impact on body management in the reviewed studies. The relationship between being religious and body management is inverse and the relationship between consumption of foreign media and body management is direct.

**Keywords:** body, body image, body management